میکروفیلم تهیه شد

آستان قدس

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب: بیست باب در اسطرلاب

مؤلف متن: خواجه نصیرالدین محمد طوسی محشی: ...

شارح: ... مترجم: ...

تاریخ تحریر: سده ۱۱ق نوع خط: نستعلیق تعداد سطر: ۱۴

جزء کتب: ریاضی زبان: فارسی عدد اوراق: ۲۸

طول: ۱۷/۵ عرض: ۱۱ شماره عمومی: ۲۲۹۸۴

وقفی / خریداری: حاج عبدالباقی آیت اللهی تاریخ وقف / خریداری: اسفند ۷۰

ملاحظات: [illegible]

وقف بر امامین همامین حضرت محمد بن الحسن (عج) و علی بن موسی الرضا علیهما السلام
واقف: مرحوم آیة الله العظمی حاج سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی

تعريف الاسطرلاب هو جسم مشتمل على صفائح مرسوم فيها
خطوط مستقيمة ومستديرة ثابتة وناقصة ومتوازية وغير
متوازية يعرف به كثير من الاحوال الفلكيات والارضيات والزمانيات
وتعريف علم الاسطرلاب هو العلم بجسم مشتمل الى آخره
وموضوع ذلك العلم هو الاسطرلاب وفائدته اى ما العلم باحوال
كثيرة من الفلكيات والارضيات والزمانيات وتفصيله في ضمن
الابواب يعلم تمت

رساله بیست باب خواجه نصیر در معرفت حل اسطرلاب

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

اللهم انی اسئلک التوفیق بدانکه این مختصریست درباب
اسطرلاب و مشتمل است بر بیست باب باب اول در معرفت القاب
آلات و خطوط و دوایر اسطرلاب آنچه علاقه در وی بود حلقه خوانند
و آنچه حلقه در وی بود عروه خوانند و آن بندی که عروه بر آن بسته
بود آنرا کرسی خوانند و آنچه کرسی بر آن بود و بر صفایح و غیر آن مشتمل باشد
آنرا حجره و ام خوانند و صفیحه در حجره بود و بر روی صفیحها صفحه مشبک
بود آنرا عنکبوت و شبکه خوانند و دایره که بر روی حجره بود سیصد و
شصت قسم کرده ابتدا از خطی گیرند که بر کرسی بگذرد و بعلاقه پیوندد
و بر جانب راست بر توالی هر پنج و ده را رقوم نوشته باشند
آنرا اجزای حجره خوانند و بر ظهر اسطرلاب یعنی بر پشت حجره

دو خط

۲

دو خط مستقیم بر زوایای قایمه کشیده باشد یکی از جانب علاقه آید
آنرا خط علاقه و خط وسط السماء و خط انتصاب و خط نصف النهار
خوانند و خط دیگر را خط مشرق و مغرب و خط افق خوانند
و دایره که برین خطها کشیده باشد بچهار قسم متساوی باشد ربعی را
از دو ربع که از دو جانب کرسی بود به نود قسم کرده لذا انرا اجزای
ارتفاع خوانند و باشد که هر دو ربع را قسمت کرده باشد
و بر ربعی از دو ربع که در شیب بود اجزاء ظل نقش کرده باشد و بر
صفایح دوایر بسیار بود از انجمله سه دایره متوازی بود که مرکز همه
مدار مرکز صفیحه باشد و انچه در کناره بود مدار راس الجدی بود و انچه
در میان باشد مدار راس الحمل و المیزان باشد و انچه در اندرون
بود مدار راس السرطان بود و این در اسطرلاب شمالی بود و در اسطرلاب
جنوبی مدار راس الجدی در اندرون و مدار راس السرطان
در بیرون بود و دوایری چند بر روی یکدیگر کشیده باشد
و مرکز او نه بر مرکز صفیحه باشد و بعضی از آن دوایر تمام و بعضی

بر سمت الراس بود آنرا نسر واقع گویند و در مقابل او از شعری
مشرق و جنوب نزدیک بمنازل مجره ستاره روشن و در میان
دو ستاره دیگر تاریک که بر مثال خط مستقیم باشد و عوام
آنرا شاهین ترازو و چوب ترازو خوانند ان ستاره روشن تر
نسر طایر بود و چنین نسر آنرا قاعده سازند کوکبی تاریکتر از ایشان
از سوی مغرب با ایشان برآید هم بر مثال مثلثی بود آنرا
راس الجوا خوانند و کوکبی دیگر از جانب مشرق ایشان بر مثال
مثلثی بود مختلف الاضلاع و آن ستاره بر مثال مجره باشد آنرا
ردف و ذنب الدجاجه خوانند و بعد از آن بر مجره چند
کوکب در روشنی ملید نزدیک یک می آیند بر صورت شتری
و عوام آنرا اشتر گویند از ان ستاره کان تا که در شتر مرکب
انرا کف الخضیب گویند پس باین تعریفات هست کوکب
رصفکم آمد که از ایشان ارتفاع می توان گرفت و ان آیت
عین الثور عیوق ید الجوزا الیمنی رجل الجوزا الیسری شعری العبور

شعری

۲۸

شعری الغمیضا راس التوام المقدم راس التوام المؤخر قلب الاسد
فم صرفه سماک رامح سماک اعزل نیر الفکه قلب العقرب
نسر واقع نسر طایر راس الحوا ردف کف الخضیب ذنب بشیر اط
لابد این کواکب را نقش کنند هر که ایشان را بشناسد
چنانچه اشتباه نشود او را در هر باب کفایت باشد

تمت الرسالة بعون الملک
الوهاب

م م

بازبین شد
۱۳۷۱ش